

تصویب لایحه دولت، تبعات اقتصادی سنگینی دارد که ترکش‌های آن به حوزه اقتصاد محدود نمی‌شود. موهوم بودن بخش زیادی از منابع بودجه و همزمان رشد شدید هزینه‌های بودجه، دولت بعداً را بزرگ‌ترین کسری بودجه تاریخ کشور روبه‌رو می‌کند. به نظر می‌رسد تنها گزینه پیش روی مجلس، رد لایحه است. البته با توجه به نهایی نشدن بسیاری از محورهای مجلس برای اصلاح ساختار بودجه، به نظر می‌رسد بازگرداندن کلیات لایحه باید به همراه قوانین مصوب در موضوع اصلاح ساختار بودجه باشد تا دولت مجبور به تدوین مجدد لایحه بر اساس محورهای اصلاحی شود

«وطن امروز» از دلایل لزوم رد کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ گزارش می‌دهد

مجلس ناگزیر از رد کلیات

صاحب نظران در گفت‌وگو با «وطن امروز»

لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ را تورمز او غیر عملیاتی دانستند

گونه‌ای باشد که در مقابل رکود فعال باشد و کشور را از رکود خارج کند و از سوی دیگر جلوی تورم را بگیرد، بنابراین سیاست‌های مالی اقتصاد کشور در سال آینده انبساطی است تا با افزایش مخارج از جمله افزایش پرداخت‌ها به کارکنان و طرح‌های عمرانی بتوانیم حوزه‌هایی را که مصرف مردم پایین آمده است بالا ببریم و با استفاده از نیروی کار و ماشین‌آلات بیکار اشتغال و نیازهای جامعه و قدرت خرید مردم را زیاد کنیم.»

این اظهارات نویخت، نخستین سیگنال برای افزایش جدی رقم بودجه بود. با این حال برداشت از این اظهارات عموماً رشد چشمگیر بودجه عمرانی در کنار افزایش حقوق و دستمزد و به طور همزمان، رشد درآمدهای پایدار و کاهش منابع موهوم بود. رونمایی دولت از لایحه بودجه ۱۴۰۰ در هفته گذشته اما غلط بودن این برداشت را نشان داد. با بررسی ارقام مندرج در منابع و مصارف بودجه دولت مشخص می‌شود منظور دولت از انبساط مالی، چیزی غیر از برداشت معمول بوده است. این ارقام اما شائبه تدوین بودجه متناسب با برنامه‌ریزی‌های سیاسی در دولت را بشدت تقویت کرد.

اصرار معنادار بر موهوم‌نگاری از درآمد نفتی

دولت‌ها همواره در زمان تدوین بودجه، سعی در برآوردهای خوش‌بینانه از منابع درآمدی بویژه منابع نفتی دارند تا از این رهگذر با دست‌بازتری اقدام به هزینه‌کردن در سال مالی آینده کنند. تا پیش از این، میزان بیش‌برآورد دولت‌ها اینچنان زیاد نبوده که به چالشی اساسی در سال مالی بعد منجر شود. با این حال این مساله در دولت تدبیر، به شکلی جدی نمود یافته است. دولت روحانی بویژه در لوایح بودجه سال‌های ۹۸ و ۹۹ به شکلی آگاهانه اقدام به بیش‌برآوردهای بسیار دور از واقعیت از منابع درآمدی بودجه کرد. ۲ ردیف درآمدی که دولت در بودجه سال‌های اخیر به طور آگاهانه اقدام به بیش‌برآورد آگاهانه از آنها کرده، «فروش اموال منقول و غیرمنقول» و «درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز» است. به عنوان مثال دولت در بودجه

دولت لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ را چهارشنبه هفته گذشته تقدیم مجلس کرد. این لایحه در شرایطی تقدیم مجلس شد که نمایندگان و کارشناسان اقتصادی همگی در انتظار مشاهده یک بودجه متحول شده و متناسب با شرایط جنگ اقتصادی بودند. با این حال بررسی مفاد لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ نشان داد انتظار از دولت برای هر نوع اقدام اصلاحی اساسی در اقتصاد، بیهوده است. لایحه‌ای که دولت تقدیم مجلس کرد نه تنها برخلاف شعارها و وعده‌های دولتمردان نشانی از اصلاح ساختار نداشت، بلکه در اعداد و ارقام منابع و مصارف هم دچار مشکلات اساسی بود. این مسائل به حدی است که شائبه برنامه‌ریزی‌های سیاسی دولت در تدوین آن را تقویت می‌کند؛ برنامه‌ریزی‌هایی که در صورت اجرا، آینده کشور را در معرض مخاطرات جدی قرار می‌دهد.

سقف دست‌نیافتنی لایحه به بهانه «انبساط مالی»

نگاهی به ارقام مندرج در ماده واحده لایحه دولت، نخستین مساله مطرح در لایحه دولت را نشان می‌دهد. دولت سقف بودجه عمومی را برای سال آینده معادل ۸۴۱ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته است. این یعنی مصارف دولت در سال آینده معادل ۸۴۱ هزار میلیارد تومان است که در نتیجه برای این مصارف باید درآمدی به همین میزان هم در لایحه پیش‌بینی شود. اقدام دولت در تعیین سقف ۸۴۱ هزار میلیارد تومانی در لایحه بودجه ۱۴۰۰ به معنی رشد ۴۷ درصدی سقف بودجه عمومی است. این اقدام در حالی است که کشور در برهه کنونی با یکی از سخت‌ترین شرایط درآمدی مواجه است. از همین رو انبساط ۴۷ درصدی بودجه در شرایط کنونی می‌تواند زمینه را برای تشدید مشکلات اقتصادی کشور ایجاد کند. البته پیش از این رئیس سازمان برنامه و بودجه از سیاست دولت برای انبساط مالی در بودجه با هدف «رونق اقتصادی» سخن گفت. محمدباقر نوبخت در دومین جلسه ستاد بودجه ۱۴۰۰ در شهریورماه سال جاری اعلام کرد: «با تحلیل شرایط موجود کشور که رکود تورمی است متوجه می‌شویم سیاست‌های اقتصادی کشور باید به

منابع بویژه درآمد نفت اما پس از این اظهارات به ۲ دلیل شکل گرفت. اول آنکه فرضیه عدم آگاهی مسئولان سازمان برنامه و بودجه نسبت به اصول بودجه‌نویسی مطلقاً غیرممکن است. مساله دیگر اما به روزنه قانونی دولت برای سوءاستفاده از بیش‌برآورد درآمد نفت بازمی‌گردد. طبق بند «ج» تبصره یک بودجه، اگر درآمد نفتی مصوب در قانون بودجه محقق نشود، دولت مجاز است مابه‌التفاوت رقم محقق شده و رقم مصوب را از حساب ذخیره ارزی برداشت کند. این بند از بودجه، دست دولت را برای برداشت از ذخایر ارزی کشور باز می‌گذارد. سقف برداشت از ذخایر ارزی میزان دولت رقم درآمد نفت را بالاتر در نظر گرفته باشد، امکان برداشت رقم بیشتری برای جبران کسری بودجه دارد. از همین رو دولت در لوایح بودجه سعی در حداکثرسازی درآمد نفتی دارد.

دولت در تدوین لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ باز هم از این حربه تکراری استفاده و درآمد نفتی را معادل ۱۹۹ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته است. این درآمد البته غیر از رقم برداشت دولت از صندوق توسعه ملی است. دولت البته در لایحه بودجه سال آینده، بهانه جدیدی برای توجیه بیش‌برآورد درآمد نفتی در نظر گرفته است. دولت طبق لایحه‌ای که تقدیم مجلس کرده، بخشی از رقم ۱۹۹ هزار میلیارد تومان درآمد نفت سال آینده را از محل پیش‌فروش نفت در قالب اوراق سلف در نظر گرفته است. طرح پیش‌فروش اوراق سلف همان طرحی بود که دولت در جلسه سران قوا مطرح کرد اما با مخالفت ۲ قوه دیگر مواجه شد. با این حال دولت این طرح را در متن بودجه آورده و بخش عمده‌ای از درآمد نفت سال آینده را از این محل در نظر گرفته است. گذشته از برنامه‌ریزی دولت برای برداشت هفتگت از ذخایر ارزی از طریق بند «ج» تبصره یک بودجه در سال بعد، نگاهی به مصارف لایحه بودجه ۱۴۰۰ فرضیه سیاسی بودن این برآوردها را بشدت تقویت می‌کند.

مجلس ناچار از رد کلیات

با توجه به تبعات خطرناک اقتصادی و غیراقتصادی لایحه بودجه سال آینده، مجلس یازدهم در مواجهه با نخستین لایحه بودجه دوران خود، آموزنی بزرگ در پیش دارد. بدیهی است در صورت تصویب لایحه بودجه، مجلس یازدهم هم در کنار دولت، مسؤلیت تبعات فاجعه‌بار آن را بر عهده خواهد داشت. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد تنها گزینه پیش روی مجلس، رد کلیات لایحه بودجه است. البته با توجه به نهایی نشدن بسیاری از محورهای مجلس برای اصلاح ساختار بودجه، به همراه قوانین مصوب مجلس در موضوع اصلاح ساختار بودجه باشد تا دولت مجبور به تدوین مجدد لایحه بر اساس محورهای اصلاحی شود.

تبعات تصویب لایحه بودجه ۱۴۰۰

تصویب لایحه دولت و اجرای آن در سال آینده، تبعات اقتصادی سنگینی دارد که ترکش‌های آن به حوزه اقتصاد محدود نمی‌شود. موهوم بودن بخش زیادی از منابع بودجه و همزمان رشد شدید هزینه‌های بودجه، دولت آینده را بزرگ‌ترین کسری بودجه تاریخ کشور روبه‌رو می‌کند. دولت بعد برای جبران این هزینه‌ها راهی جز استقراض بیشتر نخواهد داشت. با توجه به میراث مخروبه دولت تدبیر در نظام مالیاتی، امکان بازپرداخت این بدهی‌ها از محل درآمدهای مالیاتی وجود ندارد. نتیجه این شرایط، رشد غیرقابل کنترل بدهی‌های دولت و جدی شدن خطر ورشکستگی کشور است. تنها راهکار دولت بعد برای جبران این بدهی‌ها، استقراض از بانک مرکزی است که نتیجه آن، رشد شدید تورم و احتمال تکرار بحران ابرتورم در ایران همچون ونزوئلاست. رشد شدید تورم در کشور اما معیشت اکثر جامعه بویژه اقشار کم‌درآمد را با بحرانی بی‌سابقه مواجه می‌کند. در چنین شرایطی است که ترکش‌های

از طریق افزایش هزینه‌های عمرانی حاصل می‌شود. هر چند افزایش رقم حقوق کارمندان برای بازگرداندن قدرت خرید از دست رفته، اقدامی قابل قبول است اما این اقدام باید با نظر گرفتن محدودیت‌های درآمدی انجام شود. خلاصه‌کردن سیاست انبساطی در پرداخت حقوق، نه تنها نشانه‌ای از منطق اقتصادی ندارد، بلکه شائبه سیاسی بودن این اقدام را تقویت می‌کند. در نظر می‌رسد دولت با افزایش درآمدهای موهوم نفتی، در کنار رشد شدید هزینه‌های جاری، حل مشکل معیشت مردم را به طور مستقیم به رفع محدودیت در فروش نفت رده زده است. در واقع این اقدام دولت نوعی زمینه‌چینی برای چانه‌زنی در جهت مذاکره با دولت جدید آمریکاست. دولت سعی دارد هر چه سریع‌تر با دستاویز قرار دادن کسری ناشی از محقق نشدن درآمد نفتی در سال آینده، بهانه جدیدی برای توجیه توافقی یک‌طرفه همچون برجام ایجاد کند.

ولخرجی در اوج تنگنای درآمدی

بررسی مصارف لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ هم مسائل جدی دیگری را در رابطه با این لایحه مشخص می‌کند. صرف نظر از رشد ناگزیر رقم «تملك دارایی‌های ملی» به دلیل بازپرداخت بدهی‌هایی که دولت طی سال‌های اخیر ایجاد کرده، رشد ۷۵ درصدی هزینه‌های جاری سوالات و ابهامات لایحه دولت را دوچندان کرده است. در حالی که همگان بر محدودیت شدید درآمدهای دولت در شرایط کنونی اشراف دارند، دولت تصمیم به افزایش شدید هزینه‌های جاری خود بویژه پرداخت حقوق و دستمزد گرفته است. این تصمیم دولت اما برخلاف هدفی است که پیش از این نوبخت درباره بودجه سال آینده اعلام کرده بود. طبق اعلام نوبخت، هدف دولت از انبساط بودجه، «خروج اقتصاد از رکود» است. با این حال رشد ۷۵ درصدی هزینه‌های جاری در کنار رشد تنها ۱۸ درصدی بودجه عمرانی، هیچ نشانه‌ای از بودجه رونق‌آفرین ندارد. ایجاد رونق در اقتصاد به طور خاص

عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

در صورت تصویب لایحه بودجه ۱۴۰۰، سال آینده شاهد تورم شدید خواهیم بود

نفت، هم از فروش خارجی نفت خام بی‌نیاز شود و هم بتواند فرآورده‌های نفتی را صادر کند. همچنین برای سال‌هایی که به دلیل کاهش صادرات نفت، با کمبود منابع ارزی مواجه هستیم، باید با مدیریت واردات و صادرات، صرفاً کالاهای مجاز را وارد کنیم. وی ادامه داد: برای این منظور مجلس باید با جایگزین کردن منابع درآمدی مثل مالیات، جالی خالی نفت را پر کند. دولت اصلاحات اساسی بودجه این است که سهم نفت از درآمدهای بودجه باید به صفر برسد و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، صرفاً به تقاضاهای ارزی اختصاص یابد و به صورت ریالی به اقتصاد کشور تزریق نشود. برای آنکه ما در سال‌های درآمد

کرد: هدف دولت از این بودجه، ایجاد یک شرایط بن‌بست برای کشور است که راهی جز مذاکره باقی نگذارد. بودجه ۱۴۰۰ را می‌توان طراحی یک زمین بازی برای انتخابات سال آینده دانست که کشور را به سمت مذاکره ببرند و خود را مذاکره‌کننده و ناجی معرفی کنند. عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد افزود: برای مقابله با اهداف سیاسی دولت و دچار نشدن کشور به تورم‌های بالا، مجلس باید تمام قد مقابل این لایحه بایستد و تا انجام اصلاحات اساسی ساختاری آن را تصویب نکند. یکی از اصلاحات اساسی بودجه این است که سهم نفت از درآمدهای بودجه باید به صفر برسد و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، صرفاً به تقاضاهای ارزی اختصاص یابد و به صورت ریالی به اقتصاد کشور تزریق نشود. برای آنکه ما در سال‌های درآمد

عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد درباره کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۰ به «وطن امروز» گفت: با مطالعه کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۰ مشاهده می‌کنیم درباره ساختار بودجه نه تنها اصلاحی انجام نشده، بلکه در این مورد شاهد عقبگرد هم هستیم. این لایحه بیانگر عدم تبعیت از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره ضرورت اصلاح ساختار بودجه و ضدیت با سیاست‌های کلی برنامه ششم است که مبتنی بر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی است اما شاهد آن هستیم که در لایحه بودجه نه تنها این کاهش وابستگی محقق نشده، بلکه افزایش هم داشته است. مهدی موحدی‌بکنفر افزود: ارقام موجود در لایحه بودجه نشان می‌دهد تنظیم آن به منظور حل مشکلات کشور نیست و صرفاً به عنوان یک ابزار برای رسیدن به اهداف سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است، زیرا راهکارهای اقتصادی زیادی برای حل مشکلات کشور وجود دارد اما دولت به دلیل مقاصد سیاسی، از آنها بهره نمی‌گیرد.

وی ادامه داد: کاملاً عیان است درآمدهایی که برای فروش نفت در بودجه ۱۴۰۰ پیش‌بینی شده، پالس مذاکره را از سال می‌کند؛ زیرا کشور در شرایط تحریمی قادر به فروش این میزان نفت نیست و دولت به مذاکره و برداشتن تحریم‌ها امید زیادی بسته است. پیش‌بینی درآمد از عوارض گمرکی ناشی از واردات ماشین نیز نشان می‌دهد دولت تا حد زیادی قصد آزاد کردن واردات خودرو را دارد، بنابراین گویا در ذهن نویسنده‌گان بودجه قرار است سال آینده تحریم‌ها برداشته شود و دیگر مضیقه ارزی برای واردات خودرو نداشته باشیم. موحدی‌بکنفر خاطر نشان

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در گفت‌وگو با «وطن امروز» مطرح کرد

«اصلاح ساختار» گمشده بودجه ۱۴۰۰

برای جبران این کمبود، درآمدهای موهومی را پیش‌بینی کند. عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس ضمن تشریح میزان وابستگی لایحه بودجه ۱۴۰۰ به درآمدهای نفتی بیان کرد: دولت یک‌چهارم منابع در نظر گرفته شده را به درآمدهای نفتی اختصاص داده است که این موضوع با سیاست کاهش وابستگی بودجه به نفت همخوانی ندارد. از طرفی با در نظر گرفتن شرایط تحریمی کاملاً مشخص است درآمدهای نفتی پیش‌بینی شده قابلیت تحقق ندارد. در حالی که از ۵۷ هزار میلیارد تومان منابع فروش نفت در قانون بودجه سال ۹۹ تنها ۶ هزار میلیارد تومان آن در ۷ ماه نخست امسال محقق شده، دولت این منابع را برای بودجه سال ۱۴۰۰ افزایش داده و آن را به ۱۹۹ هزار میلیارد تومان رسانده که همین امر نشانگر موهوم بودن منابع پیش‌بینی شده توسط دولت است.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی با اشاره به لایحه بودجه ۱۴۰۰ که هفته گذشته از سنوی دولت به مجلس تقدیم شد گفت: به رغم تأکیدات مقام معظم رهبری و تلاش‌های مجلس برای اصلاح ساختار بودجه، دولت به این سمت حرکت نکرد و لایحه بودجه را بدون اصلاحات ساختاری به مجلس تقدیم کرد.

مجتبی رضاخواد در ادامه درباره ایرادات موجود در لایحه بودجه ۱۴۰۰ خاطر نشان کرد: با مشاهده بخش منابع و هزینه‌ها مشخص می‌شود دولت با پیش‌بینی درآمدهای موهوم، به دنبال پوشاندن ناترازی هزینه‌های افزایش یافته خود و منابع درآمدی پیش‌بینی شده است. این لایحه بر اساس واقعیات اقتصاد کشور تنظیم نشده است و امکان تحقق این منابع درآمدی وجود ندارد. به همین خاطر این لایحه، کاملاً غیرعملیاتی است.

نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: متأسفانه دولت زیرساخت اخذ مالیات‌هایی مانند مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات بر مجموع درآمد را در این سال‌ها فراهم نکرده و به همین دلیل سهم مالیات از منابع درآمدی بودجه را همچنان نسبت به استانداردهای آن بسیار پایین‌تر در نظر گرفته است. به همین دلیل دولت مجبور می‌شود

